

اکثر افراد بر این باورند که داشتن ثروت و شغل پردرآمد می‌تواند شادی و رضایت آنها از زندگی را افزایش دهد. وجود شادی و تأثیر سرمایه اقتصادی بر آن، برای جوانان که بیشترین تعداد گروه سنی جامعه را تشکیل می‌دهند و سرمایه‌های آینده جامعه به‌شمار می‌روند، به‌مراتب پررنگ‌تر و بااهمیت‌تر است. از این رو، این تحقیق به مطالعه رابطه سرمایه اقتصادی با شادی جوانان شهر بابلسر می‌پردازد. روش پژوهش در این تحقیق پیمایشی است. بدین منظور نمونه‌ای ۳۸۰ نفری از افراد ۱۵ تا ۲۹ سال شهر بابلسر به‌طور تصادفی انتخاب شده‌اند. یافته‌های تحلیل چندمتغیره نشان دادند که رابطه متغیرهای جنسیت وضعیت تأهل و تحصیلات با شادی معنی‌دار نیست. در حالی که متغیرهای سرمایه اقتصادی و اشتغال با شادی رابطه معنی‌داری دارند ولی فقط هفت درصد میزان شادی را تبیین می‌کنند. لذا علیرغم تصور عمومی، میزان تأثیرگذاری سرمایه اقتصادی بر شادی ضعیف است. سهم ضعیف سرمایه اقتصادی در تبیین شادی را می‌توان چنین توضیح داد که پول به تنهایی نمی‌تواند در شادی افراد تأثیر زیادی داشته باشد. محققان در این رابطه معتقدند که اولاً افراد خیلی‌زود به سطح درآمد خود عادت می‌کنند. دوماً اکثر مردم درآمد و دارایی خود را با درآمد و دارایی دیگران مقایسه می‌کنند و دلیل سوم این است که انسان نیازهایی دارد که با پول قابل مقایسه و خریداری نیست.

■ واژگان کلیدی:

شادی، سرمایه اقتصادی، جوانان، بابلسر

بررسی تأثیر سرمایه اقتصادی بر شادی جوانان

فاطمه اکبرزاده

کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه مازندران
Iranokhtakbarzadeh@yahoo.com

رسول ربانی*

استاد جامعه‌شناسی دانشگاه اصفهان
rarabani@ltr.ui.ac.ir

حمید دهقانی

دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه اصفهان
Dehghan_Hamid@yahoo.com

غلامرضا خوش‌فر

استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه گلستان
khoshfarf@yahoo.com

مقدمه

اکثر انسان‌ها و شاید همه آنها می‌خواهند شاد باشند زیرا بشر از دیرباز به دنبال این بوده است که چگونه می‌تواند بهتر زندگی کند. چه اسبابی بیشتر موجبات جلب رضایتش را فراهم می‌کند و با چه ساز و کارهایی می‌تواند از تنفس در این دنیا لذت و بهره بیشتری ببرد. این درحالی است که فشارهای مختلفی که در زندگی معمول انسان امروز از قبیل فشارهای فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، خانوادگی، روان‌شناختی و جمعیتی وجود دارد، همگی باعث تجربه کاهش رضایت و شادی افراد در زندگی روزمره می‌شود. بدین طریق برای بسیاری از مردم، شادمانی به صورت ناامید کننده‌ای دور از دسترس باقی مانده است.

شادی از یک سو متأثر از ساختارهای متعدد جامعه بوده و از سوی دیگر تأثیرگذار بر فرایند توسعه و تعالی جامعه است، به همین دلیل در نیمه قرن ۲۰ به عنوان یکی از موضوعات مورد بررسی روان‌شناسان و برخی جامعه‌شناسان و اقتصاددانان مطرح شده و در این راستا برخی مطالعات فراملیتی نیز به انجام رسیده است، که از جمله این مطالعات، می‌توان به پژوهشی که مینکو^۱ در سطح بین‌المللی به انجام رسانده، اشاره کرد که در آن، شاخص شادی کشورها، محاسبه و نشان داده شده که شادی ایران در طول سال‌های ۲۰۰۷-۱۹۹۷، در بین ۹۷ کشور، رتبه پنجاه و ششم است که از متوسط نیز پایین‌تر می‌باشد (مینکو، ۲۰۰۹: ۱۶۳). آمارهای بسیار زیاد دیگری نیز وجود دارد که حاکی از سردی، بی‌انگیزگی، بی‌اعتمادی، منفی‌بافی، گریز از جامعه در جامعه ایران است. همه این مسائل می‌توانند مسیر رشد و توسعه کشور را بسته یا کند سازند (معیدفر، ۱۳۸۵: ۲۳۳).

این درحالی است که بسیاری از مردم می‌پندارند، ثروت کلید شادی بیشتر است (آرگایل، ۱۳۸۳: ۳۳۸). اگرچه مطالعات بین‌المللی نشان می‌دهند که بین ثروت و رضامندی همبستگی مثبتی وجود دارد ولی همین مطالعات نشان می‌دهند که مردم کشورهای فقیرتری نظیر ایرلند از مردم کشورهای غنی‌تری نظیر آلمان غربی از شادی و رضامندی بیشتری برخوردارند (اینگلهارت، ۱۹۹۰؛ به نقل از کرمی نوری و همکاران، ۱۳۸۱: ۸). آرگایل (۱۹۹۹) نیز معتقد است بین درآمد و شادمانی ارتباط مثبت وجود دارد، اما پژوهش‌های وی نشان می‌دهد که این ارتباط در بین اقشار کم‌درآمد بیشتر است یعنی درآمد تا اندازه‌ای که نیازهای مادی افراد را برطرف می‌سازد بر شادمانی تأثیر دارد ولی درآمد بیش از حد مورد نیاز، شادمانی را افزایش نمی‌دهد (آرگایل، ۱۳۸۳: ۳۳۸).

به طور کلی محققان بر این باورند که رابطه بین سرمایه اقتصادی و شادی به آن اندازه که تصور می‌شود آشکار و صریح نیست (آیزنک، ۱۳۷۸: ۱۱۸).

از سوی دیگر کشور ایران دارای ساخت سنی جوان است (اسکندری، ۱۳۸۹: ۱۴) و فقدان شادی در زندگی جوانان می‌تواند به آسیب‌های اجتماعی متعدد در آنان از جمله ناامیدی،

افسردگی، بزهکاری و خودکشی بینجامد. بر این اساس و با توجه به اینکه ایجاد نشاط در جوانان بستر و فضایی را پدید می‌آورد که منجر به تولید انرژی، سبکی، چالاکی، خوش بینی، امید و تلاش برای دستیابی به اهداف مورد نظر و نتایج مورد انتظار می‌شود (زاهدی، ۱۳۸۴)، بررسی شادی جوانان دارای اهمیتی ویژه است.

همچنین از آنجا که یکی از غنی‌ترین چارچوب‌های تبیینی در ملاحظات جامعه‌شناختی و اقتصادی معاصر، مفهوم سرمایه است (توسلی و موسوی، ۱۳۸۴: ۱) و به تعبیر پیر بوردیو^۱ «اگر درصد فهم جهان اجتماعی هستیم باید ایده سرمایه، انباشت آن و تأثیرات آن را مجدداً به جهان اجتماعی معرفی کنیم» (شارع پور و خوش‌فر، ۱۳۸۱: ۱۳۴) بررسی سرمایه اقتصادی و تأثیر آن بر شادی نیز ضرورت می‌یابد. از این‌رو این مقاله به رابطه بین شادی جوانان و سرمایه اقتصادی آنها می‌پردازد.

پیشینه تحقیق

بردبورن (۱۹۶۹) با استفاده از یک پرسشنامه سه درجه‌ای، مطالعه‌ای تحت عنوان «ساختار سلامت روانی» انجام داد. جامعه آماری این پژوهش را تمام جمعیت شهرنشین آمریکا تشکیل می‌دهد. حجم نمونه آن نیز ۲۷۸۷ نفر است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که میزان درآمد با شادی رابطه مستقیم دارد.

پژوهش «شادی و رضایت از زندگی در روسیه و اوکراین» توسط آبوت و ساپسفورد^۲ بعد از تغییر و تحولات ۱۹۹۱ نشان داد که میزان شادی و رضایت از زندگی در روسیه بیشتر از اوکراین است. همچنین پژوهشگران در این تحقیق دریافتند که سرمایه انسانی (آموزش و استخدام)، شرایط مادی (وضعیت اقتصادی و میزان توانایی در تأمین مایحتاج اساسی)، بافت اجتماعی (حمایت، اعتماد و تعهدات اجتماعی)، قدرت انتخاب و کنترل اجتماعی، سلامت جسمی و روانی، میزان رضایتمندی از درآمد، امکانات خانوادگی، وضعیت سیاسی و امنیت همسایگی با میزان شادی و رضایت از زندگی افراد مورد مطالعه دارای رابطه مستقیم است (آبوت و ساپسفورد، ۲۰۰۶: ۲۸۷-۲۵۱).

پژوهشی با عنوان «آیا پول بیشتر شادی بیشتری را می‌آورد» توسط بوسلز و سارین^۳ (۲۰۰۸) انجام شده است. پرسش این تحقیق این است که چرا افراد معتقدند که پول بیشتر شادی بیشتری را می‌آورد (در حالی که چنین نیست)؟ در این تحقیق، پژوهشگران مدلی را برای تدوین این معما عنوان می‌کنند. این مدل دو مفهوم سازگاری و مقایسه اجتماعی را به هم مرتبط می‌سازد. شخص عاقلی که پویایی این دو عامل را توجیه می‌کند، شادی بیشتر را با پول می‌خرد. در اینجا سوگیری فراکنانه وجود دارد که دارای دو اثر است: اثر اول آن می‌تواند

1. Pierre Bourdieu
2. Abbott & Sapsford
3. Baucells & Sarin

این باشد که افراد شادی به دست آمده از پول را بیش از اندازه بدانند، دوم اینکه این سوگیری می‌تواند منجر شود به آنکه افراد در اختصاص بودجه مصرفشان دچار اشتباه شوند.

تیان و یانگ^۱ (۲۰۰۸) پژوهشی با عنوان «عوامل درآمدی و غیردرآمدی در ارتقاء شادی چه تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند؟» پاسخی به پارادوکس استرلین داده‌اند. هدف از این مطالعه توسعه نظریه اقتصاد رسمی به منظور توضیح پارادوکس استرلین (سطوح متوسط شادی لزوماً به همراه ثروتمند شدن کشورها افزایش نمی‌یابد) است. نظریه موجود در این تحقیق به تحلیل نقش‌های متفاوت عوامل درآمدی و غیردرآمدی در ارتقاء شادی افراد می‌پردازد و بنیانی برای مطالعه شادی از دیدگاه افزایش رفاه اجتماعی و عقلانیت منافع فردی فراهم می‌کند. در راستای یافته‌های تجربی موجود، این نظریه پیش‌بینی می‌کند که درآمد باعث افزایش شادی می‌شود، اما تنها تا یک نقطه معین (نقطه‌ای که اندازه آن توسط سطح عوامل غیردرآمدی در اقتصاد معین می‌شود)، اما هنگامی که سطح عوامل غیردرآمدی به دست آمد، افزایش این نقطه درآمدی که قبلاً نیز افزایش یافته بود، منجر به تخصیص ناکارآمدی مورد نظر پارتو می‌شود و شادی افراد را کاهش می‌دهد. این تحقیق نشان می‌دهد که ورای نقطه بحرانی، افزایش درآمد به تنهایی تأثیری بر شادی اجتماعی ندارد و مهم‌تر آنکه سطح درآمد در این نقطه با سطح عوامل غیردرآمدی موجود در جامعه، مشخص می‌شود و بهبود عوامل غیردرآمدی می‌تواند باعث افزایش این نقطه بحرانی درآمدی شود. نتایج این تحقیق همچنین عبارت بودند از اینکه دولت باید به تقویت رشد متعادل میان عوامل درآمدی و عوامل غیردرآمدی بپردازد. ممکن است سیاستمداران در بیشتر کشورها تأکید زیادی بر رشد اقتصادی داشته باشند و سیاست‌های اقتصادی منجر به تولید کالاهای درآمدی شود، اما این امر منجر به رکود شادی می‌شود. یک راه‌حل ساده اما مؤثر برای این مشکل تبدیل کالای اقتصادی به کالای غیراقتصادی می‌باشد.

در پژوهشی که مینکو (۲۰۰۹) با عنوان «تفاوت‌های ملیتی خوشبختی ذهنی^۲ بر روی ۹۷ کشور» و به کمک پیمایش ارزش‌های جهانی در شکل‌های گوناگون انجام داده، متغیر اصلی پیش‌بینی‌کننده آن، رضایت از زندگی است که با ثروت و دیگر متغیرهای همبسته مانند اوقات فراغت با اهمیت بالاتر و صرفه‌جویی با اهمیت کمتر همراه شده است. قطب معکوس آن، ناخرسندی است که با فقر زیاد و فهمی از کنترل ضعیف روی زندگی، به علاوه عوامل موقعیتی متفاوت همبستگی دارد (مینکو، ۲۰۰۹: ۱۷۹-۱۵۲).

کارابلی و سدزینی^۳ (۲۰۰۹) تحقیقی با عنوان «مشکلات اقتصادی شادی: نظرات کینز^۴ در مورد شادی و اقتصاد» انجام داده‌اند. هدف از این مطالعه، بحثی انتقادی در مورد این ادعاست

1. Tian & Yang
2. Subjective Well-being
3. Carabelli & Cedrini
4. Keynes

که تحقیقات شادی، انقلابی در اقتصاد به وجود آورده است. این نکته را برونو فری^۱ (۲۰۰۸) و اعضای گروه تحقیق که کرسی استادی در دانشگاه زوریخ دارند در آخرین کتابشان اعلام کردند. این مطالعه همچنین به بحث در باب پنج مسئله عمده اقتصاد شادی نیز می‌پردازد. از همین روی محققان در این پژوهش در تلاش برای بازنگری دیدگاه کینز، در مورد شادی و اقتصاد، هستند و این کار را با مرور مقاله او با عنوان «امکانات اقتصادی برای فرزندانمان» آغاز نمودند. پس از آن دلایلی فراهم آوردند تا نشان دهند که احیای میراث کینز می‌تواند برای بررسی وجوه جنجالی تحقیقات امروزی درباره شادی کمک کننده باشد.

در تحقیقات داخلی، پژوهشی که صرفاً به رابطه سرمایه اقتصادی با شادی افراد پرداخته باشد، یافت نشد ولی در برخی از پژوهش‌ها، همزمان با متغیر اصلی پژوهش، رابطه درآمد و یا وضعیت اقتصادی افراد با شادی آنها در کنار متغیرهای زمینه‌ای همچون جنس، سن و تحصیلات مد نظر قرار گرفته شده است. در زیر به چند نمونه از این تحقیقات اشاره می‌شود. کُرُمی نوری و همکاران (۱۳۸۱) به «مطالعه عوامل مؤثر بر احساس شادی و بهزیستی در دانشجویان دانشگاه تهران» پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهد که در میان مؤلفه‌های ۹ گانه مورد مطالعه، سلامت جسمانی اصلی‌ترین مؤلفه و وضعیت اقتصادی، استقلال در تصمیم‌گیری، شغل و هیجان‌خواهی و برخورداری از تجربه‌های جدید در مراتب بعدی قرار دارند.

میرشاه جعفری و همکاران (۱۳۸۱) نیز به «شادمانی و عوامل مؤثر بر آن» پرداخته‌اند. نویسندگان این تحقیق بر اساس اسناد و پژوهش‌ها نتیجه می‌گیرند که شخصیت، عزت نفس، اعتقادات مذهبی، سرمایه اجتماعی، فعالیت‌های اوقات فراغت، وضعیت اقتصادی، رضایت شغلی، سلامت، وضعیت تأهل، جنسیت و... از جمله عواملی هستند که بر پدیده شادی تأثیر به‌سزایی دارند.

ظهور و فکری (۱۳۸۲) در پژوهشی به «وضعیت شادابی دانشجویان دانشکده مدیریت و اطلاع‌رسانی پزشکی دانشگاه علوم پزشکی ایران» پرداخته‌اند. نتایج حاکی از آن بوده است که بین میزان شادابی دانشجویان با سن، جنس، رشته تحصیلی، دوره تحصیلی و محل سکونت رابطه معنی‌داری مشاهده نگردیده، در حالی که شادابی دانشجویان با علاقه به رشته تحصیلی و امید به آینده شغلی همبستگی مثبت معنی‌دار نشان داده است.

کشاوری (۱۳۸۴) در تحقیقی که به «بررسی رابطه بین شادکامی با سرزندگی، جزمیت - انعطاف‌پذیری و ویژگی‌های جمعیت‌شناختی در مردم شهر اصفهان» پرداخته است به این نتایج دست یافت که بین شادکامی با جزمیت - انعطاف‌پذیری و سرزندگی ارتباط مثبت و معنی‌دار و با تعداد اعضای خانواده، ارتباط معکوس وجود دارد. همچنین بین شادکامی و سن، وضعیت تأهل، جنسیت، تحصیلات، وضعیت اقتصادی و میزان درآمد، ارتباط معنی‌داری وجود ندارد.

چارچوب نظری تحقیق سرمایه اقتصادی و شادی

پژوهش‌های مربوط به شادی از طریق تئوری یا نظریه، هدایت و سوق داده نشده‌اند. اگرچه مباحثاتی راجع به تبیین یافته‌های خاص وجود داشته است و احتمالاً برخی از آنها برای تبیین به بیش از یک نظریه نیاز دارند (آرگایل، ۱۳۸۳: ۳۴۳). در اینجا نیز به نظریاتی پرداخته می‌شود که رابطه سرمایه اقتصادی و شادی را در بر دارد.

از نظر بورديو، معنا و مفهوم سرمایه اقتصادی از پهنه اقتصادی سرچشمه می‌گیرد (ریتزر، ۱۳۷۴: ۷۲۵). در واقع، موقعیت افراد بر حسب حجم و نوع سرمایه آنها مشخص می‌شود و جایگاه آنان را ابتدا در خانواده و سپس در جامعه مشخص می‌سازد (بورديو، ۱۳۸۰). به همین دلیل است که اکثر افراد به مانند ارسطو، ثروت را یکی از عناصر ضروری شادی می‌دانند (ارسطو، ۱۹۹۲) و بر این باورند که افراد با درآمد بالا، بیش از افراد با درآمد پایین شاد هستند اما این رابطه به آن اندازه که تصور می‌شود واضح نیست (آیزنک، ۱۳۷۸: ۱۱۸).

برخی از تئوری‌ها و دیدگاه‌های مطرح شده در حوزه شادمانی نیز، به میزان و چگونگی تأثیر عوامل عینی و بهبود شرایط مادی بر سطح شادمانی افراد پرداخته‌اند که غالب نتایج مطالعات آنها نشان داده است شرایط عینی به خودی خود نقش تعیین کننده‌ای در سطح شادمانی افراد ندارند (سینچ، ۱۹۹۸: ۳).

از جمله نظریه پردازان کلاسیک که معتقد است وضعیت شادی افراد جامعه به وسیله موقعیت‌های مادی تحت تأثیر قرار می‌گیرد، کارل مارکس است. وی معتقد است که «وضعیت عینی و مادی زندگی، رفاه و سعادت به ارمغان می‌آورد». همچنین برخی از اقتصاددانان نیز در این خصوص معتقدند که درآمد بالا همگام با توزیع مناسب ثروت در بین اقشار جامعه، منجر به شادی اعضای آن جامعه می‌شود، زیرا درآمد بالاتر فرصت‌های بیشتری برای اشخاص ایجاد می‌کند تا آنها بهتر و بیشتر بتوانند از کالاها و خدمات مورد نیاز استفاده کنند (فانتز و روجاس، ۲۰۰۱: ۲۹۳). دیگر پژوهش‌ها نشان می‌دهند که از لحاظ میزان متوسط شادی بین کشورهای فقیر و غنی تفاوت قابل توجهی وجود دارد، شاید به این علت که کشورهای غنی‌تر از لحاظ آموزش، دارو، اوقات فراغت، امنیت و بقیه چیزها تسهیلات عمومی بهتری دارند (آرگایل، ۱۳۸۳: ۳۳۸). از این رو ممکن است تأثیر مستقیم ثروت، تنها عامل تعیین کننده نباشد. در حقیقت، رابطه بین ثروت ملی و شادمانی می‌تواند تا حدی متأثر از سایر منافع از قبیل کیفیت بالای دموکراسی و حقوق انسانی و همچنین بر خورداری از سیستم درمانی پیشرفته‌تری باشد که افراد ملل ثروتمند از آن برخوردارند (ادینگتون و شومن، ۲۰۰۴ و ساه و اویشی، ۲۰۰۲).

1. Aristotle, 1992
2. Fuentes & Rojas
3. Eddington & Shuman
4. Suh & Oishi

نکته‌ای که در همه تحقیقات نشان داده شده این است که میزان معینی از پول، شرط لازم ولی ناکافی برای شادی است (کسبیر و داینر، ۲۰۰۸: ۱۲۲). مثلاً در کشورهایی همانند هند درآمد پایین تهدیدکننده نیازهای اساسی انسان است و بنابراین با افزایش درآمد، بهزیستی ذهنی نیز افزایش می‌یابد. اما در کشورهای ثروتمند که نیازهای ضروری افراد برآورده شده است وضعیت متفاوت است. در ایالات متحده، کانادا و اروپا همبستگی بین درآمد و شادی فردی با توجه به مطالعه اینگلهارت (۱۹۹۰) بسیار پایین است. همچنین داینر و همکاران گزارشی از تأثیر درآمد بر شادی در مورد مردم ۱۹ کشور با استفاده از یکصد و پنجاه هزار آزمودنی ارائه کردند. طبق این گزارش میانگین همبستگی بین درآمد و رضایت از زندگی ۱۳ درصد است. از سوی دیگر تأثیر درآمد بر شادی در کشورهای با درآمد پایین بیشتر از کشورهای با درآمد بالاتر است و این امر شاید به این دلیل باشد که در این کشورها پول، نیاز به غذا، مسکن و سایر نیازهای اساسی را برآورده می‌کند (عابدی، ۱۳۸۱: ۹۱-۹۰).

مسئله پژوهشی حل نشده این است که چرا علیرغم تغییرات تاریخی کلان در متوسط درآمدها، تقریباً هیچ افزایشی در رضایت یا شادی به وجود نیامده است (آرگایل، ۱۳۸۳: ۳۳۸). میزان درآمد حتی با وجود تورم و مالیات‌ها افزایش یافته است، در حالی که سطح رضایتمندی ثابت باقی مانده است (ادینگتون و شومن، ۲۰۰۴). پژوهش‌ها نشان داده‌اند، علیرغم رشد اقتصادی در فرانسه، ژاپن و ایالات متحده از ۱۹۶۴ تا ۱۹۹۰ هیچ‌گونه گزارشی مبنی بر افزایش شادمانی دریافت نشده است (داینر و ساه، ۱۹۹۷: ۱۹۳). این یافته که بین سال‌های ۱۹۷۵ و ۱۹۹۵، میانگین درآمد واقعی سرانه در آمریکا تقریباً ۴۰ درصد افزایش یافته است، در حالی که طی این مدت آمریکایی‌ها اصلاً احساس خوشحالی بیشتری نمی‌کنند، به نظر تناقض‌آمیز می‌رسد. با وجودی که مردم صاحب تلویزیون پلاسما، پلی استیشن و خودروی سوم در پارکینگ خانه‌های خود شدند، اما یک ذره رضایتمندی بیشتر از زندگی خود نسبت به آنچه که سه دهه پیش داشتند، ندارند (اوکنفلس، ۱۳۸۹: ۲۸).

اقتصاددان آمریکایی ریچارد استرلین^۱ سال‌ها پیش در ۱۹۷۴ توجهش به این پدیده جلب شد. امروزه مشاهده وی و اظهارنظری که در این باره کرد در دوایر اقتصادی به «پارادوکس استرلین»^۲ مشهور شده است. استرلین نه تنها در آمریکا بلکه در سایر ملت‌های صنعتی نیز مشاهده کرد که هر چند نسل امروز بسیار ثروتمندتر و برخوردارتر از نسل پدران و پدریزرگان‌شان هستند، نسبت به گذشته از زندگی خود راضی‌تر و خوشحال‌تر نیستند. طبق یافته‌های استرلین و سایر پژوهشگران، فقط در کشورهای فقیر است که رضایت کلی از زندگی همراه با رشد درآمد میانگین افزایش می‌یابد. به محض اینکه درآمد فرد به سطح حداقل معیشت می‌رسد، همبستگی مثبت به‌سرعت از بین می‌رود. استرلین این خط را در مقادیر ۱۵۰۰۰ تا ۲۰۰۰۰ دلار به قیمت دلارهای

1. Richard Easterlin

2. Easterlin Paradox

امروزی (قدرت خرید) رسم کرد که بالای آن خط، درآمد خیلی به ندرت به خوشبختی مردم کمک می‌کند (استرلین، ۱۹۹۵). در همین زمینه طرفداران اپیکوروس قبلاً مطرح کرده بودند که اگر چه ما به میزان کافی پول برای پیشگیری از رنج‌ها و آسیب‌ها نیازمندیم، اما لزوماً پول، از یک میزان معینی به بعد، سطح بالاتری از شادی را به همراه نمی‌آورد (دی باتن^۱، ۲۰۰۰: ۶۲). «هیچ چیز، انسانی را که با مقدار کم از هر چیز ارضاء نمی‌شود، ارضاء نمی‌کند»، این اعتقادی بود که طرفداران اپیکورس آن را بیان می‌کردند (دی باتن، ۲۰۰۰: ۶۲). عامل مهم دومی هم که برای تبیین پارادوکس استرلین وجود دارد، به‌همین مسئله اشاره می‌کند: هر فردی به‌تدریج به هر چیزی، از جمله به سطح زندگی بالاتر عادت خواهد کرد. همراه با افزایش درآمد، نیازها و تقاضاهای ادراکی هم مطابق با آن افزایش می‌یابد (استرلین، ۲۰۰۳). به‌عبارت دیگر با افزایش درآمد، انتظارات نیز افزایش می‌یابد (آرگایل، ۱۳۸۳: ۳۳۸).

بدین طریق می‌توان گفت ثروت مانند سلامت است؛ فقدان آن بدبختی و ناشادی به‌شمار می‌آورد ولی داشتن آن هیچ‌گونه ضمانتی برای خوشبختی به همراه ندارد (کر می نوری و همکاران، ۱۳۸۱: ۸).

در همین زمینه گری بکر و لویس رایو در مقاله «کارایی تکاملی و خوشبختی» اقتصاد شادی را به چالش کشیدند. آنها پرسش ظاهراً بی‌ضرری مطرح می‌کنند که چگونه ساز و کار آرزوها و بلندپروازی‌های انسانی که بر درآمد نسبی تأکید می‌ورزد، توانست در مسیر تکاملی بشر بسط پیدا کند. بر اساس تز بکر و رایو به این دلایل است که گزینش طبیعی اجازه خواهد داد انسان فقط زمانی خوشبختی را تجربه کند که به چیزی بیشتر از همسایه‌اش یا بیشتر از آنی که دیروز داشته است، دست یابد. علاوه بر این آنها استدلال می‌کنند که طبیعت کاری کرده است که انسان از این اوج‌گیری آرزوها کاملاً آگاه نباشد. این تضمین می‌کند که ما همه تلاش‌های بی‌وقفه خود را به‌عمل آوریم تا وضعیت خود را بهبود بخشیم (اوکنفلس، ۱۳۸۹: ۲۹). همچنین بر پایه یافته‌های پژوهشگران خوشبختی، معیار درآمد مطلق که اقتصاددانان سنتی استفاده می‌کنند، قطعاً برای شادی یک شخص در زندگی مهم است، اما در مقایسه با سایر عوامل رنگ می‌بازد. بیشتر مردم عمدتاً نگران وضعیت مالی خود در ارتباط با دیگران (درآمد نسبی) هستند. جایگاه و مرتبه افراد با درآمد و مصرف تعیین می‌شود و به‌نظر بیشتر مردم، مهر تأییدی که از درآمد بالاتر داشتن کسب می‌شود، مهم‌تر از مطلوبیت اضافی حاصل از چیزهایی است که آنها می‌توانند با آن پول خریداری کنند (اوکنفلس، ۱۳۸۹: ۲۸).

دانشمندانی چون سولنیک و همینوی شواهدی از این مسئله را در آزمایشی که اکنون مشهور شده است ارائه کردند: آنها از دانشجویان پرسیدند که دوست دارید در چه نوع جهانی زندگی کنید - جهانی که بتوانید ۵۰۰۰۰ دلار به‌دست آورید و هر کس دیگری فقط نصف درآمد شما داشته باشد یا در جهانی که ۱۰۰۰۰۰ دلار دارید در حالی که هر کس دیگری دو برابر درآمد

شما داشته باشد. بیشتر دانشجویان گزینه نخست را انتخاب کردند با اینکه مشخص بود آنها با انتخاب دومی وضعیت بهتری خواهند داشت. آنها با داشتن درآمد دو برابری ۱۰۰۰۰۰ دلار فرصت‌های بیشتری برای مصرف کردن داشتند (سولنیک و همینوی، ۲۰۰۵).

سولنیک و همینوی با بررسی بیشتر این قضیه به‌وسیله پرسشنامه‌هایی که شرکت‌کنندگان پر کردند متوجه شدند نگرانی‌ها درباره موقعیت فرد نسبت به دیگران، در رابطه با جذاب بودن و مورد ستایش و تحسین قرار گرفتن از رؤسا و بالادستی‌ها در بیشترین حد و برای چیزهایی مثل مدت زمان تعطیلات و مرخصی رفتن در کمترین حد است. در سایر بررسی‌ها مشخص شد که وقتی نوبت به تعطیلات و بیمه می‌رسد مردم به ندرت نگران جایگاه نسبی خود هستند، اما در رابطه با خودرو و مسکن عمیقاً نگران‌اند. اصطلاح تخصصی که اقتصاددانان برای مدل‌های مربوط به چنین نگرانی‌های نسبی استفاده می‌کنند «جلوتر از بقیه بودن» است (سولنیک و همینوی، ۲۰۰۵). به‌همین دلایل است که لایارد در کتاب «شادی، درس‌هایی از علم جدید» استدلال می‌کند که جامعه مدرن عملکرد مدار، مردم را خوشحال نمی‌کند. به‌نظر وی با اینکه پول بیشتر ما را واقعاً خوشبخت نمی‌کند؛ اما ما از پیش‌کاری می‌کنیم که آن را هدف اصلی زندگی مان بسازیم و علاوه بر این، غم و غصه‌هایی که از نداشتن پول بر خودمان تحمیل می‌کنیم نیز خوشبختی ما را کاهش می‌دهد. ما خیلی بیش از حد کار می‌کنیم و کار کردن، زمانی را که می‌توانیم صرف دوستان و خانواده کنیم از ما می‌گیرد. در کشورهای صنعتی، اثرات جانبی این نوع عملکرد جامعه، مقدار زیادی از شادی را که رشد درآمد می‌توانست به ما بدهد نابود کرده است (لایارد، ۲۰۰۵).

از سوی دیگر، آرگایل معتقد است که بیکاری و ترس از نداشتن شغل، یکی از بزرگ‌ترین منابع ناشادی در دنیای مدرن است. البته نه صرفاً به این دلیل که آدم‌های بدون شغل پول کمتری دارند تا خرج کنند، بلکه به آن دلیل که کیفیت زندگی آدم بیکار به‌شدت نزول می‌کند، چون وی احساس می‌کند از میان جمع رانده شده است و کسی به وی اعتنا نمی‌کند و عزت نفس او لطمه دیده است (آرگایل، ۱۳۸۳: ۱۷۰-۱۶۹). نگاه به بیکاری به‌عنوان یک مشکل صرفاً مالی کسانی که از آن متأثر شده‌اند، هزینه وارده بیکاری بر فرد و کل جامعه را به‌شدت کمتر از واقع برآورد می‌کند. حتی مردمی که هنوز شاغل‌اند نیز بیشتر از گذشته نگران می‌شوند، زمانی که با ناامنی شغلی بیشتر مواجه می‌شوند و احتمال می‌دهند شغل خود آنها هم به خطر بیفتد. آندرو اسوآلد، اقتصاددان انگلیسی، با عنایت به مطالعات صورت گرفته در ایالات متحده و کشورهای اتحادیه اروپایی اظهار می‌دارد که: (۱) پول شادی می‌آورد ولی اثر آن محدود بوده و گاهی به‌لحاظ آماری معنی‌دار نیست. (۲) بیکاری به‌ویژه زمانی که با از دست رفتن منبع درآمد همراه باشد، افراد را ناشاد می‌کند. همچنین او دریافت که عامل ترس می‌تواند تعیین‌کننده باشد. اگر نرخ بیکاری به اندازه ۱/۵ درصد افزایش یابد و مثلاً از ۵ درصد به ۶/۵ درصد برسد،

لازم است به هر شهروند انگلیسی - و نه فقط افراد بیکار - مبلغ اضافی ۵۰۰ دلاری پرداخت شود تا جبران ناامنی بالاتر ایجاد شده در محل کار آنها بشود (اسوالد، ۱۹۹۷).
 نکته دیگر آن است که جامعه‌شناسان و محققان کیفیت زندگی معتقدند عوامل جمعیتی (مانند جنس، سن و...) و متغیرهای پایگاه اجتماعی (مانند وضعیت تأهل، تحصیلات، شغل و...) از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر شادی هستند. به گونه‌ای که محققان تخمین زده‌اند عوامل جمعیتی ۸ تا ۱۵ درصد واریانس شادی را تبیین می‌کند (داینر و همکاران، ۱۹۹۹؛ به نقل از کسبیر و داینر، ۲۰۰۸: ۱۲۲). بنابر مجموعه مباحث نظری فوق می‌توان چنین فرض نمود که: - سطح برخورداری جوانان شهر بابلسر از سرمایه اقتصادی بر میزان خوشبختی آنان تأثیر دارد.

روش‌شناسی تحقیق

روش تحقیق در پژوهش حاضر، پیمایش است و واحد تحلیل نیز در این تحقیق، فرد پاسخگو (جوان) می‌باشد و سطح تحلیل نیز خرد است. همچنین این پژوهش از نظر هدف، یک بررسی کاربردی، از نظر وسعت پهنانگر (شهر بابلسر) و از نظر زمانی یک بررسی مقطعی (شش ماهه اول سال ۱۳۹۰) است. ابزار مورد استفاده برای جمع‌آوری داده‌ها، پرسشنامه می‌باشد. جامعه آماری این تحقیق را کلیه جوانان ساکن شهر بابلسر که در دامنه سنی ۲۹-۱۵ سال قرار دارند، تشکیل داده‌اند که بر اساس نتایج آخرین سرشماری اداره بهداشت شهرستان بابلسر در سال ۱۳۸۷، این تعداد برابر با ۱۷۴۹۲ نفر بوده‌اند. همچنین برای انتخاب نمونه از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای طبقه‌ای متناسب استفاده شده است و حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۳۷۶ نفر می‌باشد. البته برای جلوگیری از کاهش حجم نمونه، در مجموع تعداد ۴۵۰ پرسشنامه تکثیر و توزیع شد و نهایتاً ۳۸۰ پرسشنامه با استفاده از نرم افزار SPSS مورد بررسی واقع گردید. همچنین در پژوهش حاضر از اعتبار محتوا^۱ و برای تعیین پایایی از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده است. نتایج آلفای کرونباخ برای متغیرهای مختلف تحقیق در جدول شماره ۱ آمده‌اند:

جدول ۱: نتایج آلفای کرونباخ برای متغیروابسته تحقیق و ابعاد آن

سازه و ابعاد آن	میزان آلفای کرونباخ
شادی (کل ابعاد)	۰/۸۴۱
شادی احساسی	۰/۷۰۸
شادی اجتماعی	۰/۷۵۶
شادی شناختی	۰/۸۳۰

تعریف مفاهیم

در این تحقیق میزان شادی متغیر وابسته است. واژه شادی چندین مفهوم متفاوت را به ذهن متبادر می‌کند (برای مثال خوشحالی، خشنودی، لذت و خوشایندی، رضایت و...) از این رو تعدادی از روان‌شناسان به اصطلاح به «خوشبختی ذهنی» اشاره می‌کنند که یک اصطلاح چتری و در برگیرنده انواع ارزشیابی‌هایی است که فرد از خود و زندگی‌اش به عمل می‌آورد (داینر، ۲۰۰۰؛ به نقل از چلبی و موسوی، ۱۳۸۷: ۳۵). این ارزشیابی‌ها، مواردی از قبیل رضایت از زندگی، هیجان و خلق مثبت و فقدان افسردگی و اضطراب را شامل می‌شود و جنبه‌های مختلف آن نیز به شکل شناخت‌ها و عواطف است. داینر و ساه، پس از انجام مطالعات متعدد از جمله بررسی تحلیلی‌های ویلسون در سال ۱۹۶۷، شادی را دارای سه جزء اساسی می‌دانند که عبارت‌اند از: الف) بُعد عاطفی (هیجانی) که در حقیقت خلق و خواهی مثبت و خوشایند در افراد را شامل می‌شود. ب) بُعد شناختی که نوعی تفکر و پردازش اطلاعات را در برمی‌گیرد و به ارزیابی مثبت افراد از زندگی منجر می‌شود. ج) بُعد اجتماعی که بیانگر گسترش روابط اجتماعی فرد با دیگران و به دنبال آن افزایش حمایت اجتماعی است. به عبارت دیگر این جزء از شادی گرایش‌ها و تمایلات فرد نسبت به اجتماع، همانند علاقه به انسان‌های دیگر، تأثیر گذاری مثبت بر آنها و... را شامل می‌شود که یکی از مهم‌ترین اجزاء آن را تشکیل می‌دهد (داینر و ساه، ۱۹۹۷: ۱۹۵). براساس مجموعه تعاریف اندیشمندان و مؤلفه‌های موردنظر آنها می‌توان شادی را، ارزیابی افراد از کلیت زندگی و بخش‌های متعدد آن (رضایت از کلیت زندگی و بخش‌های آن)، بروز صفات و عواطف خوشایند و ظهور علائق و علائم مثبت اجتماعی در افراد اطلاق نمود (ربانی و همکاران، ۱۳۸۶: ۴۸). به منظور سنجش شادی، گنجی در تحقیق خود در ارزیابی و بازبینی مجدد پرسشنامه آکسفورد، شادی را به سه بعد احساسی، شناختی و اجتماعی تقسیم‌بندی نموده است. در این پرسشنامه جدید که از پرسشنامه شادی آکسفورد (به‌ویژه در بعد احساسی) استفاده شده، گویه‌ها با قالبی متفاوت از نوع لیکرت طراحی و برخی گویه‌های جدید اضافه شده‌اند. همچنین این پرسشنامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ، پایایی و اعتبار لازم را به دست آورده است (گنجی، ۱۳۸۷: ۱۶۲). دامنه نمرات نیز از ۱۲۰-۰ می‌باشد. سطح سنجش نیز فاصله‌ای است. از این رو، در این تحقیق از پرسشنامه بازبینی شده آکسفورد که توسط گنجی به سه بعد تقسیم شده، با اندک تغییراتی استفاده می‌گردد. در این پرسشنامه مجموعاً از ۲۹ گویه برای سنجش شادی استفاده شده که ۱۱ گویه آن بعد احساسی، ۱۲ گویه، بعد شناختی و ۶ گویه نیز بعد اجتماعی آن را می‌سنجند. نمرات خام سه بعد احساسی، اجتماعی و شناختی با هم جمع زده شده و نمره کلی شادی به دست آمده است. سرمایه اقتصادی متغیر مستقل این تحقیق است که بلاواسطه و مستقیماً به پول تبدیل می‌شود و به صورت حق مالکیت نهادی می‌گردد (شارع‌پور و خوش‌فر، ۱۳۸۱: ۱۳۶). در واقع، تمام امکانات، دارائی‌ها، منابع و لوازمی که قابلیت مبادله با پول را داشته باشند و ارزش مادی

آن توسط نهادهای حقوقی تأیید شده باشد در زمره سرمایه اقتصادی قرار می‌گیرند (شارع‌پور، ۱۳۸۳: ۶۷). استونز نیز به گونه مشابهی معتقد است: «سرمایه اقتصادی به درآمد پولی، سایر منابع و دارائی‌های مالی اطلاق می‌شود و تظاهر نهادینه‌اش را می‌توان در حق مالکیت یافت» (استونز، ۱۹۹۸: ۲۲۲؛ به نقل از سفیری و آراسته، ۱۳۸۶: ۱۲۶). به عبارت دیگر سرمایه اقتصادی فرد، شامل امکاناتی است که برای رفاه اقتصادی در اختیار دارد (فرهادی، ۱۳۸۴: ۸۵). همچنین سرمایه اقتصادی یا ثروت مادی، در واقع قدرت پرداخت برای شکلی از سرمایه است که می‌تواند تبدیل به کالاهای مادی شود (هیلر و روکسبی^۱، ۲۰۰۲؛ به نقل از سفیری و آراسته، ۱۳۸۶: ۱۲۶). سرمایه اقتصادی فرد را با گویه‌های وسایل رفاهی، درآمد فرد (در صورت دارا بودن)، درآمد پدر، نحوه مالکیت منزل، وضعیت منزل مسکونی، مالکیت تلفن همراه، رایانه، ماشین و نوع اتومبیل، زمین، باغ و سپرده بانکی می‌سنجند (فرهادی، ۱۳۸۴: ۸۵). در این پژوهش نیز طبق تعریف فرهادی، برای سنجش سرمایه اقتصادی، میزان درآمد فرد در ماه (در صورت دارا بودن)، میزان درآمد پدر، امکانات و وسایل منزل، قیمت منزل مسکونی و قیمت تقریبی اتومبیل خانواده، مدنظر قرار گرفته است. تدوین این مقیاس بر مبنای پژوهش سفیری و آراسته (۱۳۸۶) بوده است. آنها در پژوهش خود با استفاده از نرم افزار Spss و دستور تحلیل عاملی نشان داده‌اند که این ابزار دارای اعتبار است و پایایی آن را با استفاده از آلفای کرونباخ ۸۹ درصد گزارش کرده‌اند. این متغیر همچنین در سطح سنجش فاصله‌ای می‌باشد.

۱۷۰

جدول ۲: فرآیند شاخص‌سازی متغیر سرمایه اقتصادی و گویه‌های آن

متغیر	بعد	مؤلفه	گویه (پرسش)
سرمایه اقتصادی	دارائی‌های مادی و وسایل رفاهی	- میزان درآمد در ماه - میزان درآمد پدر خانواده	- میزان درآمد شما در ماه چقدر است؟ - میزان درآمد پدر شما چقدر است؟
		-انواع وسایل و امکانات رفاهی - قیمت منزل مسکونی - در صورت داشتن اتومبیل، قیمت آن	-کدام یک از وسایل زیر را در خانه دارید؟ مبلمان، ماهواره، تلفن همراه، کامپیوتر، ماشین ظرفشویی، استخر و سونا، املاک (باغ، ویلا، زمین و...). - قیمت منزل مسکونی شما چقدر است؟ - آیا اتومبیل دارید؟ - قیمت تقریبی اتومبیل شما چقدر است؟

۵ معرف درآمد فرد، درآمد پدر، قیمت منزل مسکونی، قیمت ماشین و دارائی‌های شخصی برای سنجش متغیر سرمایه اقتصادی برگزیده شده‌اند. پرسش‌ها به صورت باز مطرح شده و از پاسخگویان خواسته‌ایم که میزان آنها را قید کنند. البته بعد دارائی‌ها به صورت بلی (با کد ۱) و خیر (با کد ۰) مطرح شده و سپس پاسخ‌ها با هم جمع زده شده‌اند. ابتدا ابعاد پنجگانه را براساس درصدهای تجمعی حاصل از داده‌های واقعی به سه مقوله پائین، متوسط و بالا تقسیم نموده و سپس با جمع زدن آنها نمره کلی سرمایه اقتصادی به دست آمده است:

1. Hiller & Rooksby

جدول ۳: فرآیند عملیاتی کردن متغیر سرمایه اقتصادی

مقوله‌ها			معرف‌ها
پائین (کد ۱)	متوسط (کد ۲)	بالا (کد ۳)	
زیر ۳۰۰ هزار	۳۰۰ تا ۵۰۰ هزار	بالای ۵۰۰ هزار	درآمد فرد
زیر ۵۰۰ هزار	۵۰۰ تا ۸۰۰ هزار	بالای ۸۰۰ هزار	درآمد پدر
زیر ۵۰ میلیون	۵۰ تا ۱۰۰ میلیون	بالای ۱۰۰ میلیون	قیمت منزل
زیر ۷ میلیون	۷ تا ۱۳ میلیون	بالای ۱۳ میلیون	قیمت ماشین
زیر ۴	بین ۴ تا ۶	بالای ۶	دارائی‌ها
زیر ۸	بین ۸ تا ۱۰	بالای ۱۰	میزان سرمایه اقتصادی

دامنه نمره سرمایه اقتصادی پاسخگویان بین ۴ تا ۱۴ در نوسان بوده و میانگین آن ۸/۵ می‌باشد. ذکر این نکته لازم است که سرمایه اقتصادی با پنج معرف سنجیده شده و این معرف‌ها بعد از کدگذاری مجدد در قالب سه مقوله پائین، متوسط و بالا با کدهای ۱ تا ۳ با هم جمع زده شده‌اند و نمره کلی متغیر سرمایه اقتصادی به دست آمده است. بنابراین، دامنه نمرات باید بین ۵ تا ۱۵ می‌بود اما از آنجائی که برخی از پاسخگویان فاقد درآمد و یا فاقد اتومبیل شخصی بوده‌اند، دامنه نمرات بین ۴ تا ۱۴ به دست آمده است. متغیرهای زمینه‌ای همچون جنس، وضعیت تأهل، تحصیلات و وضعیت فعالیت نیز از دیگر متغیرهای مستقل تحقیق به‌شمار می‌روند.

یافته‌های توصیفی

یافته‌ها از ۳۸۰ پرسشنامه مورد بررسی قرار گرفته نشان می‌دهند که ۵۲/۴ درصد آنها زن و ۴۷/۶ درصد آنها نیز مرد بوده‌اند. همچنین از میان پاسخگویان تحقیق ۷۴/۷ درصد کل پاسخگویان مجرد و ۲۳/۹ درصد آنها متأهل بوده‌اند. ۱/۳ درصد کل پاسخگویان نیز مطلقه بوده‌اند. ۱۲/۶ درصد پاسخگویان تحصیلاتی در سطح سیکل، ۳۰/۳ درصد دارای مدرک دیپلم، ۱۵ درصد دارای تحصیلات فوق دیپلم، ۳۳/۹ درصد لیسانس و ۸/۲ درصد نیز دارای تحصیلات فوق لیسانس و بالاتر بوده‌اند. دامنه سنی پاسخگویان نیز بین ۱۵ تا ۲۹ سال در نوسان بوده و بیشترین فراوانی آن مربوط به سن ۲۰ سالگی است. از نظر وضعیت فعالیت نیز ۱۳۶ نفر از پاسخگویان یعنی ۳۵/۸ درصد کل آنها شاغل بوده‌اند و ۴۷ نفر برابر با ۱۲/۴ درصد آنها نیز اعلام کرده‌اند که بیکارند. ۲۱ نفر از پاسخگویان خانه‌دار، ۱۰۷ نفر دانشجو و ۵۵ نفر دانش‌آموز بوده‌اند که به ترتیب ۵/۵، ۲۸/۲ و ۱۴/۵ درصد از کل جمعیت نمونه را در برمی‌گیرند. ۱۴ نفر نیز در مقوله سایر قرار گرفته‌اند یعنی وضعیت فعالیت آنها در هیچ کدام از مقولات فوق قرار نگرفته است که ۳/۷ درصد پاسخگویان را شامل می‌شوند.

جدول ۴: توزیع درصدی متغیرهای وابسته و مستقل تحقیق

متغیرها	پایین	متوسط	بالا	جمع کل
سرمایه اقتصادی	۳۶/۲	۳۲/۸	۳۱	۱۰۰
شادی	۳۲/۴	۳۷/۶	۳۰	۱۰۰
شادی احساسی	۳۷/۴	۳۱/۸	۳۰/۸	۱۰۰
شادی اجتماعی	۳۶/۶	۳۱/۶	۳۱/۸	۱۰۰
شادی شناختی	۳۷/۱	۳۵	۲۷/۹	۱۰۰

همان گونه که در جدول شماره ۴ مشاهده می شود، بر اساس درصدهای تجمعی، داده ها به سه دسته نمرات پایین، متوسط و بالا تقسیم شدند. بدین ترتیب، میزان سرمایه اقتصادی ۳۶/۲ درصد از پاسخگویان در حد پایین، ۳۲/۸ درصد آنها در حد متوسط و ۳۱ درصد نیز در حد بالا بوده اند. متغیر وابسته نیز شادی است و برای آن سه بعد شادی احساسی، اجتماعی و شناختی در نظر گرفته شد. توزیع درصدی متغیر وابسته (شادی) نیز بدین گونه بوده است: میزان شادی ۳۲/۴ درصد از پاسخگویان در حد پایین و ۳۷/۶ درصد آنها در حد متوسط است و ۳۰ درصد کل پاسخگویان نیز در حد بالا شاد بوده اند. در این صورت می توان گفت که میزان سرمایه اقتصادی و شادی جوانان در حد متوسط می باشد.

دامنه نمره شادی جمعیت نمونه بین ۲۴ تا ۹۵ در نوسان بوده و میانگین آن ۵۸/۳ می باشد. نمای توزیع متغیر شادی ۵۰ است یعنی نمره بیشترین تعداد افراد در متغیر شادی، ۵۰ بوده است. میانه توزیع ۵۹ و نزدیک به میانگین است و بر این اساس می توان گفت که میزان شادی جمعیت نمونه در مجموع در حد متوسط می باشد. میانگین نمرات پاسخگویان در هر سه بعد شادی تقریباً به میانه توزیع نزدیک بوده و در واقع، جمعیت نمونه در هر سه بعد شادی در وضعیت متوسطی قرار دارند. مینیمم نمرات در بعد اجتماعی صفر است یعنی در این بعد برخی از افراد اصلاً شاد نبوده اند. حال با استاندارد کردن نمرات شادی و ابعاد آن می توانیم به مقایسه آنها بپردازیم، کاری که در جدول زیر صورت گرفته است:

جدول ۵: مقایسه شادی و ابعاد آن

متغیرها	مینیمم	ماکزیمم	دامنه	میانگین	نمره استاندارد از ۱۰
شادی	۲۴	۹۵	۷۱	۵۸/۳	۷/۲
بعد احساسی	۲	۳۹	۳۷	۲۰/۳	۵/۵
بعد اجتماعی	۰	۲۰	۲۰	۱۳/۵	۶/۷
بعد شناختی	۷	۵۸	۵۱	۲۴/۴	۴/۸

آن گونه که ملاحظه می‌شود، اگر نمرات شادی و ابعاد آن را بر روی طیفی از ۱ تا ۱۰ ترسیم کنیم، میزان شادی کلی از هر سه بعد آن بیشتر بوده و از میان ابعاد سه‌گانه نیز نمره بعد اجتماعی بالاتر و نمره بعد شناختی پایین‌تر از دو بعد دیگر می‌باشد.

یافته‌های تحلیلی

تحلیل دو متغیره

جدول ۶: بررسی رابطه شادی و سرمایه اقتصادی

سرمایه اقتصادی	متغیر وابسته (شادی) و ابعاد آن		
	شادی	بعد احساسی	بعد اجتماعی
مقدار I پیرسون	۰/۲۳۶	۰/۱۳۱	۰/۰۶۲
سطح معنی‌داری	۰۰۰/۰	۰/۰۱۱	۰/۲۲۶

۱۷۳

با توجه به جدول شماره ۶، مقدار I پیرسون به‌دست آمده از رابطه میان سرمایه اقتصادی و شادی ۰/۲۳۶ و سطح معنی‌داری آن ۰/۰۰۰ است که به‌لحاظ آماری در سطح ۰/۹۹ معنی‌دار است. جهت رابطه مثبت است، یعنی با افزایش سرمایه اقتصادی افراد میزان شادی آنها نیز افزایش می‌یابد. شدت رابطه میان دو متغیر در حد ضعیف است. رابطه میان میزان سرمایه اقتصادی و دو بعد احساسی و شناختی شادی نیز به‌لحاظ آماری معنی‌دار است. اما شدت رابطه میان دو متغیر در هر دو بعد در حد ضعیف است. یعنی با آنکه افزایش در میزان سرمایه اقتصادی، افزایش در میزان شادی احساسی و شادی شناختی را به همراه دارد، اما این افزایش در حد ضعیفی است. رابطه میان بعد اجتماعی شادی و سرمایه اقتصادی نیز به‌لحاظ آماری معنی‌دار نیست یعنی میزان شادی اجتماعی افراد بر حسب میزان سرمایه اقتصادی آنها تفاوتی با هم ندارد. آن گونه که یافته‌های جدول نشان می‌دهند، شدت رابطه بعد شناختی شادی و سرمایه اقتصادی قوی‌تر از بعد احساسی و نیز شادی کلی است. در واقع، سرمایه اقتصادی بر بعد شناختی شادی بیشتر از دیگر ابعاد آن تأثیر می‌گذارد.

آن گونه که اطلاعات جدول شماره ۷ نشان می‌دهند، میانگین شادی مردان ۵۸/۷ بوده و به میزان تقریباً ۰/۸ از میانگین شادی زنان (۵۷/۹) بیشتر است. اما سطوح معنی‌داری به‌دست آمده از آزمون t برای مقایسه میانگین شادی بین زنان و مردان، به‌لحاظ آماری معنی‌دار نیست. بر این اساس می‌توان گفت که تفاوت‌های موجود میان زنان و مردان در شادی، تفاوت‌هایی تصادفی بوده و متأثر از جنسیت نمی‌باشند. در واقع، بین جنسیت افراد و میزان شادی آنها رابطه معنی‌داری وجود ندارد.

جدول ۷: بررسی رابطه شادی و جنسیت

متغیر وابسته	جنسیت	تعداد	میانگین	اختلاف میانگین	مقدار من یوویتنی	سطح معنی داری
شادی	زن	۱۹۹	۵۷/۹	۰/۷۷	-۰/۵۴۵	۰/۵۸۶
	مرد	۱۸۱	۵۸/۷			

آزمون‌های t و f آزمون‌های پارامتری‌اند و بنابراین زمانی کاربرد دارند که: مشاهدات از یک جامعه نرمال انتخاب شده باشند، اطلاعاتی که با هم مقایسه می‌شوند، باید تقریباً واریانس یکسانی داشته باشند و توزیع پاسخگویان در مقولات مختلف متغیر به لحاظ تعداد به هم نزدیک باشند (کلانتری، ۱۳۸۵: ۱۱۷). اگر یکی از این شرایط موجود نباشد، باید از آزمون‌های غیرپارامتری استفاده نمود (کلانتری، ۱۳۸۵: ۱۳۹). در آزمون‌های غیر پارامتری نیز اگر سه گروه و بیشتر داشته باشیم، از آزمون‌های کروسکال والیس استفاده می‌کنیم. اما اگر فقط دو گروه داشته باشیم (مانند وضعیت تأهل در تحقیق حاضر) آزمون من یوویتنی را به کار می‌گیریم (کلانتری، ۱۳۸۵: ۱۴۱). متغیر وضعیت تأهل فاقد شرط سوم برای استفاده از آزمون‌های پارامتری است و برای آن از آزمون من یوویتنی استفاده شده است. این مسئله در خصوص متغیرهای وضعیت فعالیت و تحصیلات نیز وجود داشته است و از آنجا که تعداد مقوله‌های آنها بیش از دو مقوله بوده، از آزمون کراسکال والیس استفاده کرده‌ایم.

۱۷۴

جدول ۸: بررسی رابطه شادی و وضعیت تأهل

متغیر وابسته	وضعیت تأهل	تعداد	میانگین	اختلاف میانگین	مقدار من یوویتنی	سطح معنی داری
شادی	مجرد	۲۸۹	۵۷/۷	۲/۲	۱۱۶۰۰/۰۰۰	۰/۱۲۶
	متاهل	۹۱	۵۹/۹			

طبق یافته‌های جدول بالا، شادی متأهلین به میزان ۲/۲ نمره از شادی مجردین بیشتر است اما سطح معنی داری به دست آمده از آزمون من یوویتنی، ۰/۱۲۶ بوده که به لحاظ آماری معنی دار نیست و بر این اساس می‌توان گفت که بین وضعیت تأهل و میزان شادی افراد رابطه معنی داری وجود ندارد.

جدول ۹: بررسی رابطه شادی و میزان تحصیلات

آزمون ناپارامتری کراسکال-والیس			میانگین شادی	تعداد	تحصیلات	متغیر وابسته
سطح معنی داری	درجه آزادی	خی دو				
۰/۰۴۵	۳	۸/۰۴۸	۶۳/۵	۴۸	سیکل	شادی
			۵۶/۷	۱۱۵	دیپلم	
			۵۹/۲	۵۷	فوق دیپلم	
			۵۷/۲	۱۲۹	لیسانس	
			۶۰/۴	۳۱	فوق لیسانس و بالاتر	
			۵۸/۳	۳۸۰	جمع کل	

بر اساس جدول شماره ۹، سطح معنی داری به دست آمده از آزمون مذکور برای بررسی تفاوت‌های موجود در شادی افراد بر حسب میزان تحصیلات آنها، ۰/۰۴۵ است که به لحاظ آماری معنی دار می‌باشد. بنابراین می‌توان گفت که بین میزان شادی افراد بر حسب میزان تحصیلات آنها تفاوت معنی دار وجود دارد. طبق یافته‌های جدول، میانگین میزان شادی دارندگان مدرک دیپلم و لیسانس و فوق دیپلم به ترتیب پائین‌تر از سایر گروه‌ها و میانگین شادی دارندگان مدرک سیکل، فوق لیسانس و بالاتر به ترتیب بالاتر از سایر گروه‌هاست. بر این اساس می‌توان گفت که افرادی که دارای تحصیلات پائین و یا بالا هستند از افرادی که تحصیلات متوسط دارند، شادترند.

جدول ۱۰: بررسی رابطه شادی و وضعیت فعالیت

آزمون ناپارامتری کروسکال والیس			میانگین	تعداد	وضع فعالیت	متغیر وابسته
سطح معنی داری	درجه آزادی	خی دو				
۰/۰۳۰	۵	۱۲/۳۹۳	۶۰/۲	۱۳۶	شاغل	شادی
			۵۲/۵	۴۷	بیکار	
			۶۰/۷	۲۱	خانه‌دار	
			۵۷/۴	۱۰۷	دانشجو	
			۶۰/۵	۵۵	دانش آموز	
			۵۵/۶	۱۴	سایر	
			۵۸/۳	۳۸۰	جمع کل	

بر اساس یافته‌های جدول شماره ۱۰، سطح معنی‌داری به‌دست آمده از آزمون کراسکال والیس برای بررسی تفاوت‌های موجود در شادی افراد بر حسب وضعیت فعالیت آنها، ۰/۰۳ است که به‌لحاظ آماری معنی‌دار می‌باشد. طبق یافته‌های جدول، به ترتیب میزان شادی زنان خانه‌دار، دانش‌آموزان و افراد شاغل بالاتر از میانگین شادی کل جمعیت نمونه و میزان شادی بیکاران و دانشجویان پائین‌تر از آن است.

تحلیل رگرسیون چند متغیره

از آنجا که سطح سنجش برخی از متغیرهای مستقل در تحقیق حاضر اسمی است و رگرسیون برای سطح سنجش ترتیبی و فاصله‌ای کاربرد دارد، متغیرهای جنسیت، وضعیت تأهل و وضعیت فعالیت به‌صورت مجازی یعنی به‌صورت ۰ و ۱ کدگذاری شدند (کلانتری، ۱۳۸۵: ۱۹۱). البته باید گفت که وضعیت فعالیت خود به دو دسته بیکاران و شاغلین تقسیم گردید. تحلیل رگرسیونی برای متغیر مستقل (سرمایه اقتصادی) و متغیرهای زمینه‌ای (جنس، وضعیت تأهل، میزان تحصیلات و اشتغال) به‌منظور تبیین تغییرات متغیر وابسته (شادی) انجام شده است که نتایج آن در جداول ۱۱ و ۱۲ قابل مشاهده است:

جدول ۱۱: خلاصه شاخص‌های آماری رگرسیون چند گانه برای تبیین میزان شادی

ضریب همبستگی چندگانه (R)	مربع ضریب همبستگی چندگانه (R Square)	مربع ضریب همبستگی چندگانه تعدیل یافته (Adjusted R Square)	مقدار آزمون مقایسه میانگین‌ها (F)	سطح معنی‌داری آزمون F (Sig)
۰/۲۹۹	۰/۸۹	۰/۷۷	۷/۱۰۰	۰/۰۰۰

جدول ۱۲: تحلیل چندمتغیره؛ بررسی تأثیر همزمان متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته (شادی)

متغیرهای مستقل	ضریب تأثیر غیراستاندارد B	ضریب تأثیر استاندارد Beta	مقدار T	سطح معنی‌داری sig
مقدار کل	۵۱/۹۳۸	-	۹/۸۴۲	۰/۰۰۰
سرمایه اقتصادی	۱/۶۶۱	۰/۲۸۴	۵/۴۷۱	۰/۰۰۰
جنسیت	-۰/۴۹۹	-۰/۰۱۸	-۰/۳۳۸	۰/۷۳۵
وضعیت تأهل	۲/۷۰۱	۰/۰۸۷	۱/۶۵۷	۰/۰۹۸
میزان تحصیلات	-۰/۷۸۹	-۰/۰۶۹	-۱/۳۶۶	۰/۱۷۳
اشتغال	۳/۸۷۲	۰/۱۳۷	۲/۴۲۴	۰/۰۱۶

نتایج جدول ۱۲ نشان می‌دهد که سطح معنی‌داری به‌دست آمده از رابطه سرمایه اقتصادی

و شادی ۰/۰۰۰ است که نشان‌دهنده آن است که رابطه میان شادی و سرمایه اقتصادی به لحاظ آماری معنی‌دار و جهت رابطه مستقیم است. یعنی افزایش میزان سرمایه اقتصادی جوانان موجب افزایش در میزان شادی آنها می‌شود. همچنین رابطه اشتغال با شادی در سطح ۹۵ درصد معنی‌دار است. یعنی اشتغال بر روی شادی جوانان تأثیر مثبت معنی‌داری دارد. این در حالی است که هیچ کدام از متغیرهای زمینه‌ای دیگر (جنسیت، وضعیت تأهل و میزان تحصیلات) با شادی رابطه معنی‌داری نداشتند. از میان متغیرهای مذکور مقدار بتای سرمایه اقتصادی ۰/۲۸۴ بوده و از سایر متغیرها بالاتر است. همچنین از آنجا که در روش اینتر کلیه متغیرها همزمان وارد معادله رگرسیون می‌شوند، R^2 به دست آمده^۱ نشان می‌دهد که متغیرهای مستقل در مجموع چند درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کنند (کلانتری، ۱۳۸۵: ۱۸۱). مقدار R^2 به دست آمده در تحقیق کنونی، ۰/۰۷۷ می‌باشد که نشان می‌دهد مجموع متغیرهای مستقل تحقیق، ۷ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کنند. به عبارتی، ۷ درصد از تغییرات میزان شادی ناشی از سرمایه اقتصادی و اشتغال بوده و ۹۳ درصد تغییرات باقیمانده متأثر از عوامل و متغیرهایی است که در تحقیق حاضر مد نظر نبوده‌اند. در واقع می‌توان این مسئله را بر اساس نظر اسوالد (۱۹۹۷) و آرگایل (۱۳۸۳) چنین تبیین نمود که، پول شادی می‌آورد ولی اثر آن محدود است. در همین زمینه، طرفداران اپیکوروس نیز قبلاً مطرح کرده بودند که اگرچه ما به میزان کافی پول برای پیشگیری از رنج‌ها و آسیب‌ها نیازمندیم، اما لزوماً پول، از یک میزان معینی به بعد، سطح بالاتری از شادی را به همراه نمی‌آورد (دی باتن^۲، ۲۰۰۰: ۶۲). این همان چیزی است که تحت عنوان پارادوکس استرلین مطرح است (استرلین، ۱۹۹۵: ۳۷). بدین طریق می‌توان گفت که اگرچه سرمایه اقتصادی بر شادی تأثیرگذار است ولی سهم این تأثیرگذاری ضعیف می‌باشد و ممکن است متغیرهای اجتماعی - فرهنگی و روان‌شناختی بخش بزرگ‌تری از تبیین شادی را به خود اختصاص دهند.

نتیجه‌گیری

از دیرباز تا به امروز مفهوم شادی یک میل انسانی بنیادی به حساب آمده است. وجود شادی به گونه‌ای است که زندگی را خوشایند می‌سازد و اشتیاق برای پرداختن به فعالیت‌های اجتماعی را، آسان می‌نماید. طبیعی است که وجود شادی در زندگی افراد به‌ویژه جوانان نقش حیاتی دارد. بر این اساس در این تحقیق به بررسی نقش سرمایه اقتصادی و متغیرهای زمینه‌ای بر شادی جوانان پرداخته شده است.

بر اساس نتایج حاصل از روش‌های آماری مورد استفاده، میزان شادی ۳۲/۴ درصد از پاسخگویان در حد پائین بوده است و ۳۷/۶ درصد آنها به میزان متوسط شاد بوده‌اند و ۳۰

1. Adjusted R Squar

2. De Botton

درصد کل پاسخگویان نیز در حد بالا شاد بوده‌اند. بدین ترتیب می‌توان گفت که میزان شادی جوانان بابلسر در حد متوسط است. همچنین میزان سرمایه اقتصادی ۳۶/۲ درصد پاسخگویان در حد پائین، ۳۲/۸ درصد در حد متوسط و ۳۱ درصد نیز در حد بالا بوده است.

نتایج تحلیل دومتغیره نشان دادند که بین شادی جوانان به لحاظ جنسیت و به لحاظ وضعیت تأهل تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. اما بین شادی جوانان بر حسب وضع فعالیت و نیز بر حسب میزان تحصیلاتشان رابطه معنی‌داری وجود دارد. نتایج تحلیل دومتغیره همچنین نشان دادند که بین شادی جوانان با سرمایه اقتصادی آنان رابطه معنی‌داری وجود دارد.

با ورود متغیرهای سرمایه اقتصادی، جنسیت، وضعیت تأهل، تحصیلات و اشتغال به‌طور همزمان در رگرسیون چندمتغیره، نتایج نشان دادند که متغیر سرمایه اقتصادی و متغیر اشتغال تبیین‌گر میزان شادی هستند و مجموعاً ۷ درصد تغییرات متغیر شادی را تبیین می‌کنند.

از سویی، نتایج تحلیل رگرسیون چندمتغیره نشان دادند که بین جنسیت افراد و میزان شادی آنها رابطه معنی‌داری وجود ندارد. این نتیجه با یافته‌های اینگلههارت^۱ (۱۹۹۰)، فوجیتا و همکاران^۲ (۱۹۹۱)، عامری‌زاده (۱۳۸۴)، کشاورز (۱۳۸۴)، تقی‌زاده (۱۳۸۵) و دهقانی (۱۳۹۰) همخوانی دارد. این موضوع می‌تواند ناشی از عوامل یکسانی باشد که بر شادی زنان و مردان تأثیر می‌گذارد. از آنجا که شهر بابلسر و امکانات آموزشی، تفریحی و شغلی آن برای جوانان چه زن و چه مرد تقریباً یکسان است، از این‌رو شادی موجود در این دو جنس نیز تفاوت معناداری با یکدیگر ندارد. همچنین بین وضعیت تأهل و میزان شادی افراد نیز رابطه معنی‌داری وجود ندارد. این نتیجه با یافته‌های کشاورز (۱۳۸۴)، تقی‌زاده (۱۳۸۵) و دهقانی (۱۳۹۰) همخوانی دارد. شاید علت این امر را بتوان در افزایش سطح توقعات افراد پس از متأهل شدن و همچنین مشکلات ناشی از ازدواج دانست. از دیگر نتایج آن بود که میزان تحصیلات بر شادی جوانان تأثیری ندارد. اگرچه نتایج مطالعات کمپل و همکاران^۳ (۱۹۷۶) و همین‌طور داینر و همکاران (۱۹۹۳) نیز حاکی از یک همبستگی کوچک، اما معنی‌دار بین تحصیلات و شادی می‌باشد (کشاورز، ۱۳۸۴)، اما به‌طور کلی تحصیلات با تحت تأثیر قرار دادن شغل و نه درآمد ایفای نقش می‌کند و جدای از این، تأثیر بسیار کمی دارد، اگرچه شغل به نوبه خود سطح درآمد را تحت تأثیر قرار می‌دهد (آرگایل، ۱۳۸۳: ۲۳۰-۲۲۹).

نتایج تحلیل چندمتغیره همچنین نشان دادند که اشتغال بر روی شادی جوانان تأثیرگذار است. بدین ترتیب که افراد شاغل شادتر از افراد بیکار هستند. این مسئله را می‌توان با استفاده از نظر آرگایل تبیین کرد. او معتقد است که اکثر افراد در هنگام اشتغال به‌کار، خوشحال‌تر هستند (آرگایل، ۱۳۸۳: ۱۷۸) و بیکاری و ترس از نداشتن شغل، یکی از بزرگ‌ترین منابع ناشادی است. البته نه صرفاً به این دلیل که آدم‌های بدون شغل پول کمتری دارند تا خرج

1. Inglehart

2. Fujita et al.

3. Campbell

کنند، بلکه به آن دلیل که کیفیت زندگی آدم بیکار به شدت نزول می‌کند، چون وی احساس می‌کند از میان جمع رانده شده است و کسی به وی اعتنا نمی‌کند و عزت نفس او لطمه دیده است (آرگایل، ۱۳۸۳: ۱۷۰-۱۶۹).

دیگر نتیجه تحلیل چندمتغیره حاکی از آن است که سرمایه اقتصادی جوانان بر میزان شادی آنها تأثیرگذار است. جهت رابطه نیز مثبت است، یعنی با افزایش سرمایه اقتصادی افراد میزان شادی آنها نیز افزایش می‌یابد. به عبارتی، می‌توان گفت هرچقدر میزان سرمایه اقتصادی افراد بیشتر باشد، میزان شادی آنها نیز افزایش می‌یابد. همچنین سرمایه اقتصادی دارای میزان بتای بالاتر از سایر متغیرهاست و این نشان‌دهنده آن است که از میان متغیرهای مستقل این تحقیق، سرمایه اقتصادی بیشترین تأثیرگذاری را بر روی متغیر شادی دارد. این نتیجه با یافته‌های بردبورن (۱۹۶۹)، آبوت و ساپسفورد (۲۰۰۶)، مینکو (۲۰۰۹) و همچنین دریکوندی (۱۳۸۱) و کرمی نوری و همکاران (۱۳۸۱) همخوانی دارد. البته باید افزود که سرمایه اقتصادی و اشتغال، تنها ۷ درصد از تغییرات متغیر شادی را تبیین نمودند که این نشان‌دهنده آن است که سرمایه اقتصادی تأثیر ضعیفی بر شادی جوانان شهر بابلسر دارد. این مسئله را می‌توان بر اساس نظر اس‌والد (۱۹۹۷)، استرلین (۱۹۹۵) و آرگایل (۱۹۹۹) تبیین کرد که معتقدند بین درآمد و نشاط ارتباط مثبتی وجود دارد ولی این ارتباط در بین اقشار کم‌درآمد بیشتر است. یعنی درآمد تا اندازه‌ای که نیازهای مادی افراد را برطرف می‌سازد بر نشاط تأثیر دارد ولی درآمد بیش از حد مورد نیاز، نشاط را افزایش نمی‌دهد (آرگایل، ۱۳۸۳: ۲۱۴). در واقع، پول به تنهایی نمی‌تواند در شاد کردن افراد تأثیر زیادی داشته باشد. محققان در این رابطه معتقدند که اولاً افراد خیلی‌زود به سطح درآمد خود عادت می‌کنند. دوماً اکثر مردم درآمد و دارائی خود را با درآمد و دارائی دیگران مقایسه می‌کنند و دلیل سوم همان‌گونه که دریکوندی (۱۳۸۱) نیز اشاره می‌کند، این است که ثروت شاید برای زندگی مفید باشد اما انسان نیازهای دیگری نیز دارد که با پول قابل مقایسه و خریداری نیستند.

* در فاصله دریافت تا انتشار مقاله، جناب آقای دکتر رسول ربانی، هنگام حضور در مراسم حج، چشم از جهان فرو بست؛ روانش شاد.

منابع

۱. آرگایل، مایکل. (۱۳۸۳). **روان‌شناسی شادی**. مسعود گوهری انارکی و دیگران. انتشارات جهاد دانشگاهی اصفهان.
۲. آیزنک، مایکل دبلیو. (۱۳۷۸). **روان‌شناسی شادی**. مهرداد فیروزبخت و خشایار بیگی. تهران: انتشارات بدر.
۳. اسکندری، محمد. (۱۳۸۹). بررسی عوامل مؤثر بر گرایش جوانان به سوء مصرف مواد مخدر صنعتی. **فصلنامه امنیت اجتماعی**. شماره ۲۱: ۳۲-۱۱.
۴. اوکنفلس، آکسل. (۱۳۸۹). **اقتصاد در زندگی واقعی**، در **جستجوی خوشبختی**. جعفر خیرخواهان. روزنامه دنیای اقتصاد. پنجشنبه ۸۹/۱۰/۰۲. سال نهم. شماره ۲۲۵۵.
۵. بوردیو، پیر. (۱۳۸۰). **نظریه کنش: دلایل عملی و انتخاب عقلانی**. مرتضی مردیها. تهران: انتشارات نقش و نگار.
۶. تقی‌زاده، کبری. (۱۳۸۵). **بررسی رابطه بین رضایت شغلی با شادمانی و سرزندگی در بین اعضای هیئت علمی دانشگاه اصفهان**. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد مدیریت آموزشی دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه اصفهان.
۷. توسلی، غلامعباس و مرضیه موسوی. (۱۳۸۴). مفهوم سرمایه در نظریات کلاسیک و جدید با تأکید بر نظریه‌های سرمایه اجتماعی. **نامه علوم اجتماعی**. شماره ۲۶: ۳۲-۱.
۸. چلیپی، مسعود و سیدمحسن موسوی. (۱۳۸۷). بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر بر شادمانی در سطوح خرد و کلان. **مجله جامعه‌شناسی ایران**. دوره نهم. شماره ۲ و ۱.
۹. دریکوندی، هدایت‌الله. (۱۳۸۱). **بررسی عوامل نشاط‌انگیز در دانش‌آموزان مدارس راهنمایی پسرانه شهر اصفهان از نظر مدیران و مربیان پرورشی**. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد برنامه‌ریزی آموزشی. دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه اصفهان.
۱۰. دهقانی، حمید. (۱۳۹۰). **رابطه مشارکت اجتماعی با شادی دانشجویان**. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد جامعه‌شناسی. دانشگاه علامه طباطبایی.
۱۱. ربانی، رسول؛ علی ربانی؛ محمدرضا عابدی و محمد گنجی. (۱۳۸۶). **فرهنگ و شادی: رویکردی نظری و تجربی در زندگی روزمره سرپرستان خانوار در شهر اصفهان**. **انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات**. سال سوم. شماره ۸.
۱۲. ریتزر، جرج. (۱۳۷۴). **نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر**. محسن ثلاثی. تهران: انتشارات علمی.
۱۳. زاهدی، لیلا. (۱۳۸۴). **بررسی عوامل مؤثر بر نشاط کارکنان در شرکت ساپکو**. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد مدیریت صنعتی. دانشکده علوم اداری. دانشگاه شهید بهشتی.
۱۴. سفیری، خدیجه و راضیه آراسته. (۱۳۸۶). بررسی رابطه سرمایه اقتصادی زنان با نوع روابط همسران در خانواده. **مجله علمی پژوهشی تحقیقات زنان**. سال دوم. شماره اول: ۱۴۷-۱۱۴.
۱۵. شارع‌پور، محمود. (گروه مؤلفان). (۱۳۸۳). **ابعاد و کارکردهای سرمایه اجتماعی و پیامدهای حاصل از فرسایش آن**. در: **بررسی مسائل اجتماعی ایران**، گروه مؤلفان. تهران: دانشگاه پیام‌نور.

۱۶. شارع‌پور، محمود و غلامرضا خوش‌فر. (۱۳۸۱). رابطه سرمایه فرهنگی با هویت اجتماعی جوانان. (مطالعه موردی شهر تهران). *نامه علوم اجتماعی*. شماره ۲۰: ۱۴۷-۱۳۳.
۱۷. ظهور، علیرضا و علیرضا فکری. (۱۳۸۲). وضعیت شادابی دانشجویان دانشکده مدیریت و اطلاع‌رسانی پزشکی دانشگاه علوم پزشکی ایران. *ارمغان دانش*. سال هشتم. شماره ۳۰.
۱۸. عابدی، محمدرضا. (۱۳۸۱). بررسی و مقایسه اثربخشی روش‌های مشاوره شغلی به سبک نظریه یادگیری اجتماعی، سازگاری شغلی و مدل شناختی رفتاری فوردایس بر کاهش افسردگی شغلی مشاوران آ. پ. شهر اصفهان. پایان‌نامه دکتری مشاوره. دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبایی تهران.
۱۹. عامری‌زاده، محسن. (۱۳۸۴). مقایسه اثربخشی روش‌های شادی بخش بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دوره راهنمایی شهر اصفهان. گزارش تحقیق. اصفهان: وزارت آموزش و پرورش.
۲۰. فرهادی، محمدعلی. (۱۳۸۴). بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت اجتماعی دانشجویان دانشگاه تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی. دانشگاه علامه طباطبایی.
۲۱. کرمی نوری، رضا؛ آذرخش مکرری؛ محمد محمدی‌فر و اسماعیل یزدانی. (۱۳۸۱). مطالعه عوامل مؤثر بر احساس شادی و بهزیستی در دانشجویان دانشگاه تهران. *مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی*. سال سی و دوم. شماره ۱: ۴۱-۳.
۲۲. کشاورز، امیر. (۱۳۸۴). بررسی رابطه بین شادکامی با سرزندگی، جزمیت، انعطاف‌پذیری و ویژگی‌های جمعیت‌شناختی در مردم شهر اصفهان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روان‌شناسی عمومی. دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه اصفهان.
۲۳. -کلاتری، خلیل. (۱۳۸۵). پردازش و تحلیل داده‌ها در تحقیقات اجتماعی - اقتصادی با استفاده از نرم افزار spss. چاپ دوم. انتشارات مهندسین مشاور طرح و منظر.
۲۴. -گنجی، محمد. (۱۳۸۷). تحلیل عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر میزان احساس شادی سرپرستان خانوار در شهر اصفهان. پایان‌نامه دکتری جامعه‌شناسی. دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان.
۲۵. معیدفر، سعید. (۱۳۸۵). بررسی مسائل اجتماعی ایران. همدان: انتشارات نور علم.
۲۶. میرشاه جعفری، ابراهیم؛ محمدرضا عابدی و هدایت‌الله دریکوندی. (۱۳۸۱). شادمانی و عوامل مؤثر بر آن. *تازه‌های علوم شناختی*. سال ۴. شماره ۳.

27. Abbott, P. & R. Sapsford. (2006). Life Satisfaction in Post-Soviet Russia and Ukraine. *Journal of Happiness Studies*. 7: 251-287.

28. Aristotle. (1992). *Eudaemonian Ethics*. (2nd ed.; M. Woods, Trans.). Oxford, United Kingdom: Clarendon Press.

29. Bradburn, N. M. (1969). *The Structure of Psychological Well-being*. Chicago: Aldine Publishing company.

30. Baucells, Manel & K. Sarin. Rakesh. (2008). Does More Money Buy You More Happiness?. *IJSE Business School Working Paper*. No 683: 1-28.

31. Carabelli, A. M. & M. A. Cedrini. (2009). The Economic Problem of Happiness: Keynes on Happiness and Economics. *Quaderni SEMEQ Working Papers*. No. 13: 1-42. <http://papers.ssrn>.

com.

32. De Botton, A. (2000). *The Consolations of Philosophy*. New York: Vintage Books.
33. Diener, E. & E. M. Suh. (1997). Measuring Quality of Life: Economic, Social and Subjective Indicators. *Social Indicators Research*. 40: 189-216.
34. Easterlin, R. E. (1995). Will Raising the Income of All Increase the Happiness of all? *Journal of Economic Behaviour and Organization*. 27. 35-47.
35. -Easterlin, R. (2003). Explaining Happiness. *Proceedings of the National Academy of Sciences*. Vol. 100. No. 19: 11176-11183.
36. Eddington, N. & R. Shuman. (2004). *Subjective Well-being*. Presented by Continuity Psychology Education.
37. Fuentes, N. & M. Rojas. (2001). Economic Theory and Subjective Well-being. *Social Indicators Research*. 53: 289-314.
38. Fujita, F.; E. Diener & E. Sandvik. (1991). Gender Differences in Negative Affect and Well-being: The Case for Emotional Intensity. *Journal of Personality and Social Psychology*. 61. 427-434.
39. Ingelhart, R. (1990). *Culture Shift in Advanced Industrial Society*. Princeton, NJ: . Princeton University Press.
40. Kesebir P. & ED. Diener. (2008). In Pursuit of Happiness: Empirical Answers to Philosophical Questions. *Perspectives on Psychological Science*. Volume 3. (2): 117-125: <http://pps.sagepub.com>.
41. Layard, R. (2005). *Happiness: Lessons from a New Science*. London: Allen Lane.
42. Minkov, M. (2009). Predictors of Differences in Subjective Well-Being Across 97 Nations. *Cross-Culthral Research*. No. 2: 152-179.
43. Oswald, A. J. (1997). Happiness and Economic Performance. *Economic Journal*. 107: 1815-1831.
44. Schyns. P. (1998). Cross National Difference in Happiness. *Social Indicators Research*. 43: 3-26.
45. Solnick, S. J. & D. Hemenway. (2005). Are Positional Concerns Stronger in Some Domains than in Others?. *American Economic Review*. Papers and Proceedings. Vol. 95. No. 2: 147-151.
46. Suh, E. M. & S. Oishi. (2002). Subjective Well-being Across Cultures. In W. J. Lonner; D. L. Dinnel; S. A. Hayes, & D. N. Sattler. (Eds.). *Psychology and Culture*. (Unit 7, Chapter 1). http://www.ac.wvu.edu/~culture/Suh_Oishi.htm.
47. Tian, Guoqiang & Liyan Yang. (2008). How Are Income and Non-Income Factors Diferent in Promoting Happiness? An Answer to the Easterlin Paradox. Texas A&M University Department of Economics and Rotman School. University of Toronto. <http://papers.ssrn.com>.